

نمایندگان دوره چهارم تقنینیه مجلس شورای ملی



بازیابی میراث مشروطه

ارجاع می دهد. یعنی انقلاب مشروطه تنها عبرت است. از سال ۱۲۸۷ تا ۱۳۰۶ فراوان به کار می رود. حتی کسانی که قانون اساسی را می نوشتند به قانون اساسی مشروطه به عنوان متنی در کنار متن های دیگر توجه کردند نه بیشتر. تقریباً چیزی به عنوان ارجاع وجود ندارد. مشروطه به عنوان یک آرمان مورد توجه قرار نگرفته است و بجز مواردی اندک ارجاع به قانون اساسی مشروطه را نمی بینیم. ایده اصلی مشروطه خوب بود، نهضتی که در صف اول آن علما قرار داشتند، علما متمدن قانون اساسی را نوشتند اما به آن عمل نشد. رهبری مشروطه بار و حایت بود اما با ورود روشنفکران، روحانیت کنار رفت. از بین رفتن رهبری مشروطه و دوپارگی و تفرقه سبب شد انقلاب مشروطه منحرف شود.

مشروطه به عنوان یک آرمان و رویا وجود نداشته است و هنوز هم در مورد مشروطه اما و اگر فراوانی وجود دارد. اکنون نگاه تازه ای پدید آمده است، اما اینکه چگونه این نگاه ایجاد شده است، مسئله بعدی است. بخشی از این نگاه به تکاپو و تقلا می برمی گردد، ما همه راه را رفتیم باید به عنوان خاطره به انقلاب مشروطه توجه کنیم و باید ببینیم که کدام بخش از گذشته را باید به زمان حال بیاوریم. امروز نیازمند بازخوانی انقلاب مشروطه هستیم. بعد از ۱۲۰ سال زمانی که می خواهیم در مورد مشروطه پژوهش کنیم هنوز کتابی که انقلاب مشروطه را با جزئیات بیان کند، نداریم. تاریخ مشروطه هنوز هم ایدئولوژی یک است. اگر قرار است به عنوان میراثی خاص مورد توجه قرار بگیرد و مبنای دائمی باشد، نیاز به بازخوانی و توجه دارد.

در پژوهش پیرامون مشروطیت و اندیشه درباره آن، از آن خود کردن میراث مشروطه، مهم تر از بازخوانی است. باید بدانیم کدام مسئله را امروز می خواهیم با بازخوانی انقلاب مشروطه حل کنیم؟ مشروطه خواهان نمی دانستند، مشروطه چیست، اما حسی داشتند که آن حس مثبت بود. مشروطه خواهان نمی توانستند این حس را بیان کنند، قاعدتاً جامعه ایران به جایی رسیده بود که اگر مشروطه هم شکل نمی گرفت، موقعیتی مشابه آن شکل می گرفت.

در پایان نکته ای را اضافه کنیم، اینکه دموکراسی با آزمو و خطا و بویژه درس از خطاها به دست می آید، نه انتزاع صرف نظر به ها. به شرط آنکه بی رحمانه گذشته خود را نقد کنیم؛ ولی ما ترجیح می دهیم در باره شکست ها سکوت کنیم. رهبران مشروطه پس از ۱۲۹۰، ترجیح دادند سر خوردگی ناشی از شکست مشروطه را با سکوت و با غرق شدن در فعالیت های دیگران جبران کنند، نه بازخوانی علل شکست مشروطه و تلاش برای رفع آنها.

قرن گذشته، مشروطه به عنوان بخشی از تاریخ ایران دیده نمی شد. در ۲۴ مرداد ۱۳۵۶ محمدرضا پهلوی گفت: «مشروطیت در ایران اتحاد ملی ایجاد نکرد، بلکه نفوذ خارجی تولید و موجب تقسیم ایران شد» مشروطه انکار نمی شد، اما تجربه موفقی هم تلقی نمی شد. مشروطه به عنوان بخشی از تاریخ مادر دهه اول قرن گذشته دیده نمی شود. مشروطه به جای اینکه اتحاد ملی ایجاد کند، تنها انکار نمی شود و یک تجربه موفق هم به حساب نمی آید. جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان هر کدام دیدگاهی متفاوت به پاس مشروطه دارند. جمهوری اسلامی آن را استبداد می پندارد و سلطنت طلبان با عنوان دولت سازی و دموکراسی از آن یاد کرده اند. اما اکنون هیچ کس میراث مشروطه را انکار نمی کند. سوال این است که از چه زمانی مشروطه اینقدر مورد توافق قرار گرفته است؟ مسئله این است که در سال ۵۷ چنین چیزی نبوده است. انقلاب ۵۷ که بزرگترین و مهم ترین کنش جمعی ایرانیان بوده است، از انقلاب مشروطه موفق تر بود. گفت و گوی میان مشروطه و انقلاب اگر قرار است در ذهن ما وجود داشته باشد باید در نگاه ها به کمک ما بیاید.

انقلاب مشروطه راهی طولانی را طی کرده است تا به اینجا برسد. حال این پرسش پیش می آید که آیا واقعاً آرمان های مشروطه و خاطره های مشروطه در انقلاب اسلامی موجود بود یا نه؟ انقلاب اسلامی به تدریج از مشروطه تهی شد و در انتها، دیگر اثری از مشروطه نبود. ما اکنون یک محدوده زمانی را می بینیم که به خاطره های مشروطه ارجاع داده می شود. زمانی گفته می شد مشروطه انقلاب خوبی بود اما شکست خورد و دیگر به کار نمی آید تا امروز که همه به آن افتخار می کنند. در تمام این دوره ها، کمتر کسی به قانون اساسی مشروطه

دیدگاه های این جامعه شناس و استاد دانشگاه را با هم می خوانیم. باید به عنوان خاطره به انقلاب مشروطه توجه کنیم و باید ببینیم که کدام بخش از گذشته را باید به زمان حال بیاوریم. امروز نیازمند بازخوانی انقلاب مشروطه هستیم. «مردم، مالکین دوباره انقلاب مشروطه» بوده و هستند. در سال های اخیر برای مشروطه تعابیر گوناگونی ذکر شده است: خیالی، فانتزی و ناکام، مکتوم، نارس، و وارونه، تلخ و معلق. این تعابیر نشان می دهد که هنوز به یک وفاق دست نیافته ایم. من از تعبیر «مشروطه تازه یافته» استفاده می کنم، به معنای احیا شده و باز یافته شده. مشروطه بخشی از تاریخی است که برای اکنون به جا گذاشته ایم و امروز یکی از محدود نقاط وفاق در جامعه ایران است.

همه این تعابیر نشان می دهد که در تعریف مشروطه نتوانسته ایم به یک وفاق برسیم. تعبیر من میراث است، آن بخش از تاریخ که برای اکنون به جا گذاشته ایم. مشروطه امروز تقریباً یکی از محدود نقاط وفاق است. امروز جامعه بر روی مشروطه وفاق دارد. مشروطه از ابتدا در انقلاب پذیرفته شده است. منظورم این است که کسی میراث مشروطه را انکار نمی کند. نگاه نسبت به مشروطه جدید نیست اما مشروطه از چه زمانی مورد توافق واقع شد؟

مثالی باید بزنم. در فیلم «ستارخان» علی حاتمی که در سال ۱۳۵۱ ساخته شد، تبریز، مشروطه و ستارخان را بسیار تلخ و سیاه نشان می دهد. این فیلم در تهران اکران عمومی شد و بعد از چند روز از پرده برداشته شد. حاتمی می گوید نگاه تاریخی در مورد ستارخان روشن نیست و بسیار متناقض است. این نگاه، نگاهی است که در مورد مشروطه در سال ۵۱ می بینیم. تاده اول و دوم



دکتر محمدرضا جوادی یگانه

روز ۱۴ مرداد در تقویم ایران روزی به یادماندنی و پرافتخار است. این روز در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی مصادف با ۱۹۰۶ میلادی، شاه قاجار، مظفرالدین شاه، فرمان مشروطیت را امضا کرد و به این ترتیب، جنبش مشروطه خواهی ایرانیان به ثمر نشست. این فرمان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می شود که به تأسیس مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی منجر شد. مشروطیت، به معنای محدود کردن قدرت مطلقه پادشاه و ایجاد نهادهای دموکراتیک بود که راه را برای اصلاحات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باز کرد. فرمان مشروطیت نتیجه ای مبارزات طولانی و فداکاری های بسیاری از روشنفکران، علما و مردم عادی بود که در پی تحقق عدالت، آزادی و حاکمیت قانون بودند. این جنبش از تظاهرات و اعتراضات گسترده ای که در شهرهای مختلف ایران نشأت گرفت و با همراهی گروه های مختلف اجتماعی از جمله تجار، علما، دانشجویان و زنان، به یک حرکت ملی تبدیل شد. شخصیت هایی، چون سید حسن تقی زاده، میرزا حسن رشدیه، ملک المتکلمین و بسیاری دیگر از بزرگان، نقش بسزایی در هدایت و پیشبرد این جنبش داشتند. امضای فرمان مشروطیت، نویدبخش دورانی جدید در تاریخ ایران بود که با چالش ها و مشکلات بسیاری نیز همراه شد. اگر چه با مرگ مظفرالدین شاه و روی کار آمدن محمدعلی شاه، تلاش هایی برای لغو مشروطیت صورت گرفت، اما اراده ای مردم ایران برای حفظ دستاوردهای این جنبش، نهایتاً به پیروزی مشروطه خواهان انجامید. این روز، یادآور اهمیت مبارزه برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی است و نقش تاریخی آن در شکل گیری ایران نوین هرگز نباید فراموش شود. «محمدرضا جوادی یگانه» جامعه شناس و استاد دانشگاه تهران در نشست «بزرگداشت روز مشروط» در خانه اندیشمندان علوم انسانی سخنرانی خود را با عنوان «مشروطه به عنوان میراث باز یافته» ارائه کرده است. به مناسبت ۱۴ مرداد سالروز صدور فرمان مشروطیت و روز مشروطه،

